

۱۳۹۶

کتابخانه

Ketabton.Com

تبغونگارش: الحاج امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

بسم الله الرحمن الرحيم
مجاهد لقب دائمي نیست !

دین مقدس اسلام بمثابه آخرين دين آسماني و ابراهيمى برای خدمت، صلاح و فلاح دارين بشريت است. تمام احکام و قوانین اين دين با عظمت، در راستاي رشد، ترقى، تعالي، سعادت و تکامل انسان وضع گردیده است. فهم اين همه ابعاد قضيه برای بعضی از ما در ظاهر امر هم با کمی تعمق واضح و بقیه را در پهلوی جانب ضمنی و منطق ظاهر قضيه و مساله، بخاطر منبع دینی یعنی نصوص و هدایات شرعی آن اساس پنداشته، آنرا مانند مسلمان هدایت شرع و اصول قرآنی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم قبول میداریم.

جهاد کلمه عربی است که در لغت از کلمه (جهد) به فتحه یا ضمه جیم به معنی قدرت، مشقت و سختی است.

و اجتهد، به معنی نهایت سعی برای چیزی بدست آوردن.

اما در اصطلاح دین و شریعت غرای محمدی از جهاد دو نوع تعبیر بعمل آمده است:
الف: تعبیر خاص که منظور آن بکار گرفتن نهایت سعی و تلاش در قتال و جنگ با کفار و طاغیان برای هدف مشروع.

ب: تعبیر عام از جهاد همان تعریف است که: عالم شهیر جهان اسلام شیخ ابن تیمیه رحمه الله در موردیان فرموده است: «جهاد ، حقیقت سعی و تلاش در بدست آوردن آنچه الله (ج) آنرا دوست می دارد از باورها و کردارهای نیک و دفع آنچه الله (ج) برآن خشم می کیرد مثل کفر ، فساد و طغیان. » (كتاب مجموع الفتاوى 191/10)
با این تعریف هر آنچه که مؤمن در بدست آوردن آن در راه ایمان به الله (ج) و فرمانبری او تلاش نماید مثل مقاومت در برابر شر و بدیها و انحرافات، ثابت قدم ماندن در دین الله (ج)، استقامت در مقابل وسوسه های شیطان، از جمله جهاد در راه الله محسوب می شود.

قابل تذکر است: که دفاع یا قتال، آخرين وسیله‌ی است، برای بقا و وقتی مسلمان بدان حق توسل دارد و یا از آن متوقف میشود که راه های دیگری به رسیدن به آن، به نتیجه نرسد.
اصولاً جهاد یکی از نشانه های موجود زنده و یک قانون عمومی در عالم حیات است. نباید فراموش کرد که تمام موجودات زنده برای بقای خود با عوامل نابودی خود در حال مبارزه و جهاد اند. سعی و تلاش دارند، موانع را از سر راه خود بردارند تا بتوانند به کمالات مطلوب یعنی امر خیر و تحقق امر الهی برسند.

از آن جا یکه هدف از آفرینش انسان، نیل او به کمال واقعی است، تشریع جهاد در اسلام، برای رفع موانع از مسیر حرکت مثبت تکاملی انسان متعهد و مسلمان یک امری لازم و ضروری است؛ بنا بر این، وجود قانون جهاد و به کار گیری آن مطابق به شرع غرای محمدی صلی الله علیه وسلم با اهداف عالی ای که دارد، نه تنها مایه‌ی تعجب نیست بلکه از افتخارات در دین مقدس اسلام میباشد.

از جانب دیگر گفته میتوانیم که جهاد، هدف آفرینش انسان است. لذا در روی زمین، امری مهمتر از جهاد نیست؛ زیرا اگر چنین نبود، خداوند پیامبرانش را با این وظیفه مبعوث نمیکرد. اگر تاریخ انبیاء را از حضرت آدم علیه السلام گرفته و تا آخرین

پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم مطالعه نمایم با وضاحت در خواهیم یافت، که با مساجد بخصوص در مساجد با نفس به درجهٔ عالی برگزیدگی رسیدند. جهاد در راه الله (ج) از بهترین راههای تقریب به اوتعالی است و از بزرگترین عبادات می‌باشد. حتی می‌توان گفت که جهاد بعد از فرایض از برترین اعمالی است که می‌توان در آن رقابت کرد و بر دیگران پیشی گرفت.. درین شک و تردید نداریم و نیست که شخص عالم بر جاهم، شخص پرهیزگار بر فاسق و انسان عادی، شخص رهبر راه حق و الهی بر فاسق و فاجر و شخص مجاهد بر شخص غیر مجاهد برتری دارد و این هدایت شرع و حکم قرآنی.

بلی جهاد زمانی معنی پیدا می‌کند که در جهت یاری کردن مؤمنان، اعتلای کلمهٔ اسلام، سرکوب کردن متجاوزین و منافقین، ظالمین هموار کردن راه دعوت اسلامی در بین مسلمانان راهنمایی کردن بندگان الله (ج) از تاریکی ها به سوی نور، نشر محسن اسلام و احکام عادلانه‌اش در میان مردم و همچنین دیگر مصالح و نتایج مفید برای مسلمانان و خدا پرستان باشد.

تصویف جهاد به نفس خویش و متصف کردن نفس به اصطلاح مجاهد را نمی‌توان بحیث یک صفت عمری ویک لقب دائمی برای خود مورد استعمال واستفاده قرار داد. جهاد که عمل شرعی است مانند روزه ، نماز ، حج ، زکات وغیره میباشد.. جهاد چنین عملی است که به شرایط زمانی ارتباط دارد ، گاهی بنابر ضرورت زمان، جهاد بالای هر مسلمان فرض عین میگردد ، این بدین معنی است که با جهاد رفتن سایر مجاهدین به جهاد این فرضیه از وی ساقط نمیگردد.

در ضمن قابل یاد اوری و تذکر هم است که: جهاد بر تمامی مسلمانان فرض عین نمی‌شود، این چیز محالی است، خدای متعال می فرماید: « وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافَةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ» (سوره توبه 122). (شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند) و در ادامه الله متعال حکمت آنرا چنین بیان کرده : «لَيَتَّقَهُوا»؛ یعنی گروهی در مدینه بمانند تا (در دین و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند) : «قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ» «و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهدن» زیرا اگر تمام آنها به جهاد بروند، در آن صورت بقیه شرایع و شعائر دین تعطیل خواهد شد.

شرایط فرضیت جهاد:

جهاد بنابر شرایط ذیل بالای مسلمانان بحیث فرض عین میباشد که:
اول: هرگاه شخصی در میدان و صفات جهاد حضور و قرار یابد، در آنصورت برای وی جایز نیست که میدان جهاد و جبهه را ترک کند، به دلیل حکم پروردگاری که می فرماید : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوْهُمُ الْأَدْبَارَ * وَمَنْ يُولِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرَّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيَّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغُضَبٍ مِنَ الله وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (سوره انفال 15-16).

یعنی : «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رو به رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید) و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد. (چنین کسی) به غضب الله (ج) گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او

جهنم، و چه بد جایگاهی است».

دوم: هرگاه دشمن شهر و وطن اش را محاصره کرده باشند، در اینحالت بر او واجب است که برای دفاع جنگ کند، زیرا شخصی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: ای رسول الله (ج): اگر کسی بخواهد مالم را بگیرد چکار کنم؟ فرمود: «**لَا تُعْطِهِ مَالَكَ** مالت را به وی مده (و از آن دفاع کن).

مرد پرسید: اگر خواست مرا بکشد چی؟

فرمود: «**فَاتِلْهُ**» با وی بجنگ، مرد گفت: اگر او مرا کشت چی؟ فرمود: «**فَأَتَتَ شَهِيدًا**» پس در آنصورت تو شهید هستی.

مرد گفت: اگر من او را کشتم چی؟ فرمود: «**هُوَ فِي النَّارِ**» او در جهنم خواهد رفت. به روایت مسلم (140).

این مسلمانی است که هرگاه بخواهد مالم را بگیرد و من وی را بکشم باز او در جهنم است، و این حال مسلمان (متجاوزگر است) پس اگر کافر باشد چه حالی خواهد داشت؟!

سوم : هرگاه ولی امر مسلمانان از او بخواهد بیرون رود، یعنی از وی بخواهد که برای جهاد برود، در اینحالت نیز جهاد فرض عین است، به دلیل فرموده باری تعالی: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفُرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَثَابْقَلْمَ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضِيْمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ**» (سوره توبه 38). یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست».

چهارم : هرگاه آن شخص دارای تخصص و مهارتی باشد که کسی جز او بدان خبره نباشد و (مجاهدان در میدان جهاد به تخصص و مهارت او) نیاز و ضرورت داشته باشند، در اینحالت جهاد (بر وی) فرض عین می شود، مثلاً شخصی بکارگیری و استفاده از جنگی را بلد باشد و غیر او کسی نباشد که تواناییش کافی باشد، در اینحالت فرض عین می شود.

در غیر این حالات چهارگانه که موجزا در فوق بدان اشاره بعمل اور دیم ، اصل جهاد بالای مسلمانان فرض کفایی بوده ، یعنی اگر عده ای به جهاد بروند و جوب آن از دوش سایر مسلمانان ساقط می گردد.

ولی مطابق قانون شرعی انجام واجبی هم مشروط به توانایی و قدرت است، و دلیل آن در قرآن عظیم الشان و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین بیان یافته است : در قرآن عظیم الشان با یک فهم عالی وزیبای می فرماید: «**لَا يُكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا**» (سوره بقره 286). یعنی: (خداآوند به هیچ کس جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کند).

و باز می فرماید: «**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا أَسْتَطَعْتُمْ**» (سوره تغابن 16). یعنی: (پس آن قدر که در توان دارید از خدا بھر اسید و پرهیزگاری کنید).

و می فرماید: «**وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**» (سوره حج 78). یعنی: «خداآوند در دین کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است».

طوریکه دیده شده در امر جهاد برخی از اوقات حرج و دشواری هست، حال آنکه حرج

و دشواری در شریعت برداشته شده است، اگر قدرت و توانایی برای جهاد وجود داشته باشد در آنصورت به اذن الله عزوجل سهل و آسان است، و اگر توانایی برجهاد نباشد در آنصورت همان حرج و دشواری است که شریعت آنرا (از دوش امت) برداشته است. همچنان در احادیثی متبرکه آمده است : «إِذَا أَمْرَتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا إِسْتَطَعْتُمْ» بخاری (6744). یعنی: (هرگاه شما را به چیزی امر کردم آنرا در حد توانان انجام دهید).

حکم این حدیث عام است یعنی در هر امری که باشد؛ زیرا این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: «بأمرِ» نکره در سیاق شرط است و این فایده عمومیت می رساند. و اما دلیل از واقع ؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم در مکه بود و مردم را به توحید الله عزوجل دعوت می کرد و به سوی نماز، و این امر تا سیزده سال باقی ماند، و با وجود شدت اذیت و آزاری که بر ایشان علیه الصلاة والسلام و پیروانش بود اما به جهاد امر داده نشد. صحیح بخاری (350).

و به قتال امر داده نشد، زیرا آنها توانایی (کافی) نداشتند، و الله عزوجل قتال را تا زمانیکه امت اسلامی دارای دولت و قدرت نشد واجب نکرد، الله تعالى فرمود: «أَذِنْ لِلّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (سوره حج 39). یعنی: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست».

بر مسلمانان واجب است آنچه را که الله عزوجل امر کرده انجام دهن، او تعالی می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا إِسْتَطَعْتُمْ مِنْ فُوَّةٍ» (سوره انفال 60). یعنی : «برای مبارزه با دشمنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) آماده سازید».

أنواع جهاد:

طوریکه در فوق هم یاد اور شدیم ، جهاد مصدر دوم باب **مفاعله** است و به معنی مجاهده از کلمه ای جهد می‌باشد. و آن به معنای مصرف نمودن تمام توانائی انسان در انجام کاری است که انسان بعد از آن دچار خستگی شود و به رنج بیافتد (چون همهی توانش را صرف کرده است).

مجاهده به این معنی است که انسان در مقابله با نیروی دیگری همهی توان خود را صرف کند ، طوریکه دیگر خسته شود . این نیروی مقابل ، ابلیس و هوای نفس است بر این اساس مجاهده تمام مظاهر عبودیت را شامل می‌شود .

تعاریف که علمای اسلام مطابق نصوص شرعی از جهاد بعمل اورده اند ، تعبیرها و برداشت های علمی خویش را در این بابت بشکل ذیل چنین فورمولبندی نموده اند :

- جهاد بانفس :

علماء می‌گویند که جهاد یک توازن میان فتح درونی و فتح بیرونی است. در آن، هم نایل شدن و هم نایل گردانیدن مطرح بحث است.

نایل گشتن انسان به اصالت خویش، جهاد اکبر، و نایل گردانیدن دیگران به این اصالت جهاد اصغر است.

وقتی یکی از آن دو، از دیگری جدا شود، مفهوم جهاد، عملاً منتفی می‌گردد. از اکتفا به یکی از آنها ذلت و بیچارگی و دیگری خشونت و انارشی به وجود می‌آید.. پس چقدر

خوشبخت‌اند کسانی که در جستجوی اسباب نجات دیگران اند؛ همان طورکه برای نجات خودشان، آن را جستجو می‌کنند و چقدر خوشبخت‌اند کسانی که در میدان عمل برای نجات دیگران، خود را فراموش نمی‌کنند.

علماء می‌گویند که جهاد در راه خدا، در دو جبهه صورت می‌گیرد: اولین جبهه همان جبهه درونی نفس است، و جبهه دومی آن جبهه عالم خارج است.

در فهم کلی جهاد با نفس و ایستادن در برابر خواسته‌های نفسانی و تمایلات درونی انسان برای غوطه ور شدن در اعماق شهوتهاي حرام می‌باشد، طوريکه پروردگار با عظمت ما در (در آيه 69 سوره عنکبوت) می‌فرمایند: «**وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَتَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلَنَا**» (کسانی که در راه ما تلاش و جهاد نمایند، آنان را به راههای خود رهنمود می‌کنیم).

و همچنین از جمله جهاد با نفس: بخشیدن مال و خرج نمودن در راههای خیر بطور عام و بخشش برای جهاد فی سبیل الله بطور خاص می‌باشد. الله سبحانه در آیه 60 سوره انفال می‌فرمایند: «**وَمَا تُفْقِدُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ**» (هر آنچه در راه الله صرف نمایید) پاداش آنرا به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچگونه ستمی نمی‌بینید.

خواننده محترم !

جهاد اصغر (کوچک) جهادی نیست که تنها در جبهات جنگ بجا آورده شود. زیرا این برداشت، به معنای تنگ ساختن گسترده‌ی جهاد است. میدان جهاد چنان وسیع و پهناور است که پهناهی آن از شرق تا غرب امتداد یافته است. گاهی یک کلمه، گاهی یک سکوت، گاهی صرف یک ترش رویی، گاهی یک تبسیم، گاهی ترک یک مجلس، گاهی پیوستن در یک مجلس، و خلاصه انجام دادن هر کاری به خاطر خدا و به کار بردن محبت و بغض در راه کسب رضای الهی، شامل مفهوم جهاد می‌شود.

از این جنبه هر تلاشی که مسلمان به خاطر اصلاح جامعه در هر ساحة زندگی، در هر مقطعی از جامعه انجام می‌پذیرد، در جمله همین جهاد محسوب می‌شود. به این معنا که تمام آنچه در فضای خانواده و خویشاوندان نزدیک و دور و همسایه و رفیق انجام می‌گیرد، همه از جمله‌ی جهاد اصغر می‌باشد. و این همچون دایره‌های متداخلی است که به گسترندگی زمین وسعت دارد.

- جهاد در برابر شیطان:

شیطان دشمن خطرناکی برای انسان است، شیطان همیشه در کمین انسان است، همه راه های را برای گمراهی آن برای اغواء و میل کردن آن بسوی حرام برآ می‌اندازد، بناء مقاومت در برابر مکرهای شیطان و مبارزه در برابر وسوس شیطان، نوعی از جهاد محسوب می‌شود.

جهاد در برابر منافق و فاسق:

کلمه «منافق» از ریشه «نفق» به معنی خروج است. نفاق دارای معنای وسعيی است از جمله هر آن شخصی که: زبانش با عملش موافق و هماهنگ نباشد، سهمی از نفاق را دارا می‌باشد.

نفاق، مصدر است به معنی منافق بودن. نفاق، صفت افراد بی ایمان است که ظاهرًا در

صف مؤمنین هستند اما در باطن در جماعت کفار قرار دارند .
بنـا ءـگـتـه مـيـتوـانـيم كـه: منـاقـقـكـسـيـ استـ كـهـ درـ باـطـنـ،ـ كـافـرـ وـلـىـ ظـاهـرـاـ مـسـلـمـانـ استـ.ـ عـلـتـ اـيـنـ تـسـمـيهـ آـنـ استـ كـهـ منـاقـقـ اـزـ ايـمـانـ بـهـ طـرفـ كـفـرـ خـارـجـ شـدـهـ استـ.ـ منـاقـقـ،ـ خـطـ زـنـدـگـيـ مشـخـصـيـ نـدارـدـ وـ درـ مـيـانـ هـرـ گـروـهـ بـهـ رـنـگـ آـنـ گـروـهـ درـ مـىـ آـيدـ..ـ درـ فـرهـنـگـ دـيـنـيـ،ـ منـاقـقـ اـزـ كـافـرـ خـطـرـنـاـكـ تـرـ،ـ دـشـمـنـيـ وـ عـداـوـتـشـ مـخـرـبـ تـرـ وـ عـذـابـ اوـ درـ آـخـرـتـ اـزـ كـافـرـ سـخـتـ تـرـ استـ.

وـفـاسـقـ:

اصـطـلاحـ فـاسـقـ بـهـ شـخـصـيـ اـطـلاقـ مـيـگـرـدـ كـهـ مـتـهمـ اـتـهـامـ بـهـ فـسـقـ وـ فـجـورـ باـشـدـ.ـ فـسـقـ بـهـ عـملـ گـفـتـهـ مـيـشـودـ كـهـ بـيـرونـ اـزـ دـايـرـهـ عـقـلـانـيـ وـ شـرـعـيـ صـورـتـ گـيـردـ .ـ بنـاـبـرـ اـيـنـ اـنـسـانـ فـاسـقـ،ـ شـايـدـ اـزـ نـظـرـ اـعـتـقـادـيـ شـخـصـيـ رـاـسـتـ اـنـديـشـ باـشـدـ،ـ وـلـىـ درـ مـقـامـ عـملـ،ـ اـنـسـانـيـ رـاـسـتـ كـارـ نـيـستـ.

ازـ نـظـرـ اـعـتـقـادـيـ اـنـسـانـ فـاسـقـ اـزـ ايـمـانـ مـحـكـمـ وـ اـسـتـوارـيـ بـرـخـورـدـارـ نـمـىـ باـشـدـ ،ـ حـكـمـ شـرـعـ هـمـيـنـ استـ كـهـ :ـ شـخـصـ فـاسـقـ،ـ بـصـورـتـ كـلـ اـنـسـانـيـ سـبـتـ اـيـمـانـ مـيـباـشـدـ .ـ باـ آـنـكـهـ بـهـ اـحـکـامـ شـرـعـيـ اـقـرـارـ وـ اـزـ نـظـرـبـيـنـشـيـ التـزـامـ دـارـدـ ،ـ وـلـىـ درـ مـقـامـ عـملـ،ـ چـنـينـ التـزـامـيـ رـاـ مـرـاعـاتـ نـمـىـ كـنـدـ وـ بـرـخـالـفـ اـعـتـقـادـاتـ عـملـ مـيـكـنـدـ .ـ (ـمـفـرـدـاتـ الـفـاظـ قـرـآنـ كـرـيمـ،ـ صـفـحـهـ 636ـ ذـيلـ كـلـمـهـ فـسـقـ)

انـسـانـ مـؤـمـنـ زـمـانـيـ بـهـ فـسـقـ مـتـهمـ مـىـ شـودـ كـهـ درـ جـامـعـهـ،ـ اـعـمـالـ ضـدـ شـرـيعـتـ وـ خـلـافـ رـفـتـارـيـ هـاـيـ شـرـعـيـ صـورـتـ مـيـگـيرـدـ درـ مـقـابـلـ آـنـ رسـالـتـ خـوـيـشـ رـاـ اـنـجـامـ نـمـىـ دـهـ .ـ بنـاـ ءـاـگـرـ يـكـ شـخـصـ باـ اـمـرـ بـهـ مـعـرـوفـ وـ نـهـيـ اـزـ منـكـرـ درـ مـقـابـلـ مـنـافـقـينـ وـ فـاسـقـينـ وـ شبـهـاتـ اـيـنـ اـشـخـاصـ مـبـارـزـهـ وـ عـملـ مـيـكـنـدـ ،ـ اـيـنـ عـملـ شـانـ هـمـ درـ جـمـلـهـ جـهـادـ مـحـسـوبـ مـيـگـرـددـ .ـ

خـواـنـدـهـ مـحـترـمـ !

طـورـيـكـهـ درـ فـوقـ هـمـ يـادـ اـورـ شـدـيمـ ،ـ جـهـادـ درـ بـرـخـيـ اـزـ حـالـاتـ دـفـاعـيـ وـ درـ بـرـخـيـ اـزـ اوـقـاتـ حـالـاتـ تـعرـضـيـ بـخـودـ اـخـتـياـرـ مـيـكـنـدـ .ـ

جـهـادـ عـملـ نـيـستـ كـهـ درـ زـنـدـگـيـ يـكـ بـارـ فـرـضـ گـرـددـ مـانـنـدـ سـايـرـ فـرـايـضـ اـسـلامـ مـانـنـدـ فـرـضـيـهـ حـجـ كـهـ درـ زـنـدـگـيـ يـكـبارـ فـرـضـ مـيـباـشـدـ ،ـ وـياـ فـريـضـهـ نـماـزـ كـهـ بـالـايـ مـسـلـمـانـانـ تـاـ اـخـرـ زـنـدـگـيـ وـحتـىـ تـاـ لـحـظـهـ مـرـگـ فـرـضـ مـىـ باـشـدـ ،ـ حتـىـ درـ حـالـاتـ مـرـيـضـيـ ،ـ سـفـرـ وـ حـضـرـ .ـ بنـاـ ءـاـگـرـ مـيـتوـانـمـ كـهـ فـرـضـيـتـ جـهـادـ درـ بـرـخـيـ اـزـ اوـقـاتـ بـالـايـ مـسـلـمـانـانـ حـالـاتـ اـسـتـمـارـيـ رـاـ بـخـودـ مـيـگـيرـدـ ،ـ وـدرـ بـرـخـيـ اـزـ اوـقـاتـ حـالـاتـ مـؤـقـتـيـ بـرـايـ خـودـ دـارـدـ ،ـ كـهـ ضـرـورـتـ اـسـتـ درـ بـارـهـ هـرـ كـادـمـ اـزـ اـيـنـ حـالـاتـ بـهـ تـحـقـيقـاتـ مـفـصـلـيـ پـرـداـختـ .ـ

مـبـحـثـ اـمـرـوزـيـ ماـ درـ بـارـهـ لـقـبـ جـهـادـ وـمـجاـهـدـ استـ كـهـ هـدـفـ اـيـنـ اـزـ جـهـادـ چـيـستـ وـ چـراـ عـدهـ اـيـ بـهـ رـفـتنـ چـنـدـ رـوـزـ مـحـدـودـ بـهـ جـبـهـاتـ جـهـادـ اـيـنـ صـفـتـ مـقـدـسـ رـاـ بـرـايـ خـودـ نـهـ تـنـهاـ اـبـدـيـ سـاخـتـهـ اـنـدـ ،ـ بـلـكـهـ شـمـشـيـرـ فـتوـايـ شـانـ چـنـانـ تـيـزـ شـدـهـ كـهـ حـالـاـحـكـمـ كـفـرـ رـاـ بـرـ سـايـرـ مـسـلـمـانـانـ كـهـ بـنـاـبـرـ شـرـايـطـ نـتوـانـسـتـدـ بـهـ جـبـهـاتـ جـنـگـيـ بـرـونـدـ ،ـ هـمـ اـسـتـعـمـالـ مـيـنـمـاـيـنـدـ .ـ

درـ صـحـيـحـ بـخـارـيـ حـدـيـثـ دـارـيـمـ:ـ كـهـ آـنـرـ اـحـضـرـتـ اـبـوـ مـوـسـيـ رـضـيـ اللـهـ تـعـالـيـ عـنـهـ روـايـتـ فـرـمـودـهـ وـدرـ آـنـ آـمـدـهـ استـ كـهـ:ـ دـرـيـكـيـ اـزـ رـوـزـهاـ يـكـتـنـ اـزـ صـحـابـهـ اـزـ پـيـامـبرـ صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـسـلـمـ بـرـسـيـدـنـدـ كـهـ:ـ «ـ عـنـ آـبـيـ مـوـسـيـ ،ـ قـالـ:ـ سـئـلـ رـسـوـلـ اللـهـ صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـسـلـمـ عـنـ الرـجـلـ يـقـاتـلـ شـجـاعـهـ ،ـ وـيـقـاتـلـ حـمـيـةـ ،ـ وـيـقـاتـلـ رـيـاءـ آـيـيـ ذـلـكـ فـيـ سـبـيلـ اللـهـ ؟ـ قـالـ رـسـوـلـ اللـهـ صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـسـلـمـ »ـ «ـ مـنـ

فَاتَّلِتُكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْغُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». رواه البخاري شماره حدیث 5042) شخصی برای قومیت می جنگد، و شخص دیگر برای اینکه غیرت خود را نشان دهد می جنگد و شخص دیگر میخواهد که خود را مشهور سازد می جنگد ، کدام یکی از اینها مجاهد در راه خدا محسوب میشوند؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: شخصی که برای اعلای کلمه الله جهاد میکند ، آن شخص در جمله مجاهد بشمار می اید (

این بدین معنی است کسانیکه برای قومیت و قوم پرستی ، واشخاصیکه برای غیرت و یا هم اشخاصیکه در بین مردم به شهرت برسند ، و به حیث قهرمان ملی شهرت یابد و یا اینکه مردم بگویند که فلان شخص قهرمان ، شخص شجاع و مجاهد است ، از فهم حدیث متبرکه طوری استتباط میشود که همه ای افراد که با خاطر نام و نصب و شهرت و جمع اوری مال و ثروت به جهاد رفته اند ، در جمله مجاهدین محسوب نمیگردد ، بلکه آنده از اشخاص در جمله مجاهدین واقعی محسوب میباشد که غرض اعلی کلمه الله اخلاصمندانه جنگیده باشد .

در حدیثی دیگری که آنرا حضرت ابو هریره رضی الله عنہ روایت نموده آمده است : «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ فَاتَّيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نَعْمَتُهُ فَعَرَفَهَا، فَقَالَ: مَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: فَاتَّلُ فِيْكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ، قَالَ: كَذَبْتَ وَ لَكِنَّكَ فَاتَّلَتْ لَأْنَ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أَمْرَبَهُ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ تَعْلَمُ الْعِلْمَ وَ عَلِمَهُ وَ قرَا الْقُرْآنَ فَاتَّيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نَعْمَهُ فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: تَعْلَمْتُ الْعِلْمَ وَ عَلِمْتُهُ وَ قرَأْتُ فِيْكَ الْقُرْآنَ قَالَ: كَذَبْتَ وَ لَكِنَّكَ تَعْلَمْتُ الْعِلْمَ لِيُقَالَ أَنِّكَ عَالِمٌ وَ وَقَرَأْتُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمْرَبَهُ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ، وَرَجُلٌ وَسَعَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَعْطَاهُ مِنْ أَصْنافِ الْمَالِ كُلَّهُ فَاتَّيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نَعْمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ ثُحبَ أَنْ يُنْفَقَ فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ قَالَ كَذَبْتَ وَ لَكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ هُوَ جَوَادٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمْرَبَهُ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ ثُمَّ أَنْتَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ. (رواه مسلم)

ترجمه : از ابو هریره (رضی الله عنہ) روایت است که رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: « اولین قضاؤت در روز قیامت در بارگاه الهی در مورد شخصی خواهد شد که (در میدان جهاد) شهید شده است. این شخص به محضر الهی آورده میشود؛ آنگاه خداوند متعال به او می گوید : من به تو چه نعمتهاي فراوانی داده بودم ؟ او به همه نعمتهاي خداوند اعتراف می کند؛ سپس خداوند از او می پرسد که از آن نعمتها چگونه استفاده کردي؟ (و برای چه اهدافی استفاده کردي) او می گويد (آخرین عمل من این بود) که در راه تو جهاد کردم تا اينکه شهید شدم (و بدينسان عزيزترین و گرانبهاترین چيز يعني جان خودم را در راه تو فدا کردم) خداوند متعال به او می گويد : تو دروغ می گویی تو در جهاد برای این هدف شرکت کردي که جرأت و شجاعت تو برای مردم معلوم شود پس (این هدف تو حاصل شد و در دنيا) شجاعت تو شایع شد و مردم از آن آگاه شدند. آنگاه خداوند دستور می دهد و او بصورت واژگون در جهنم انداخته میشود. شخص دیگری را می آورند که علم دین را فرا گرفته و به دیگران نیز علم آموخته است. و قرآن را خوب خوانده است. خداوند نعمتهاي اعطایي خود را برای او بيان می کند و او به آنها اعتراف می کند. آنگاه از او می پرسد: بگو تو از اين نعمتهاي من چه استفاده

گرفتی؟ (و برای چه اهداف و مقاصدی از آنها بهره گرفتی) او می گوید : بار الها ! من علم تو را حاصل کردم و به دیگران تعلیم دادم و برای رضای تو مشغول کتاب تو، قرآن مجید شدم. خداوند متعال به او می گوید: تو دروغ گفتی. تو علم دین و قرآن را برای این منظور آموختی و خواندی که مردم تو را عالم، قاری و عابد گویند پس (این مقصد تو در دنیا تو را حاصل شد) عالم، عابد و قاری بودن تو برای مردم خوب معلوم شد و میان آنها شایع شد. آنگاه خداوند دستور می دهنده تا او را نیز بصورت واژگون در جهنم بیندازند. شخص سومی را می آورند که خداوند متعال به او در دنیا مال و ثروت فراوانی عطا کرده خداوند نعمتهای خود را که به او داده برای او بیان می کند و او به همه آنها اعتراف می کند آنگاه خداوند از او سوال می کند که تو از این نعمتهای من چه فایده ای گرفتی؟ (و برای چه اهدافی آنها را صرف کردی) او می گوید : بار الها ! در هر راهی و کاری که رضای تو بوده من مال خودم را برای رضای تو خرج کرده ام، خداوند به او می گوید تو دروغ می گویی، در واقع همه اینها را خرج کرده بودی تا آوازه ات بین مردم بلند شود و مردم تو را سخی گویند پس (این مقصد تو در دنیا حاصل شد) سخاوت و بذل اموال تو ، خوب بین مردم زبان زد آنها شد. سپس خداوند دستور می دهد تا او را نیز بصورت واژگون در دوزخ بیندازند. شرح : العظمة الله! چه حدیث تکان دهنده ای است ؟ در بعضی از روایات همین حدیث، مذکور است که ابو هریره (رضی الله عنه) گاهی اوقات هنگام بیان این حدیث ، بیهوش می شد. نیز از حضرت معاویه (رضی الله عنه) نقل شده است که یک بار این حدیث برایش بیان شد چنان گریه کرد که در آخر بی حال و بیهوش شد. آن سه عملی که در این حدیث مذکوراند یعنی تحصیل و تعلیم علم دین، مشغول بودن در قرآن، و فداکاری جانی و مالی در راه خدا، بدیهی است که این هر سه عمل از عالی ترین اعمال صالحه هستند و اگر همراه با اخلاص باشند، پاداش آنها بدون شک خوشبودی الله و بهشت برین خواهد بود. ولی همین اعمال چون بمنظور شهرت طلبی و نمایاندن به مردم و یا دیگر اغراض و مقاصد دنیوی همراه باشند چنان گاه بزرگی بنزد الله تعالیٰ به حساب می آیند که پیش از دیگر گناهکاران (مانند دزدان، راهزنان، قاتلان و زنا کاران و غیره) فیصله دوزخ برای آنها صادر می شود و قبل از همه، همین گروه به دوزخ انداخته می شوند.

خواننده محترم !

طوریکه گفته امدیم ، مجاهد حقیقی و واقعی شخصی که با نیت خالص و نیت پاک برای اعلای کلمة الله و قائم نمودن یک نظام اسلامی مطابق قانون الهی و سنت نبوی به میدان جهاد شتافته باشد .

مجاهد واقعی شخصی است که در قلب اش حب اسلام بوده ، و در راه الله جهاد نموده و نیت اش خدمت به دین مقدس اسلام ، وطن و خدمت و خیر رسانیدن به برادر مسلمان و همنوع خویش باشد .

الله تبارک و تعالیٰ در سوره البقره آیه ۲۰۷ یکی از اوصاف بندۀ گان مجاهد اش را چنین بیان فرموده است : « وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَسْرِي نَفْسَهُ أَبْتَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۝ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ » (و در میان مردم کسی یافته می شود که جان خود را (که عزیزترین چیزی است که دارد) در برابر خوشبودی خدا قربان میکند (و رضایت الله را بالاتر از دنیا و ماقیها می شمارد و همه چیز خود را در راه کسب آن تقدیم می دارد) و خداوندگار نسبت

به بندگان بس مهربان است (و به انان در برابر کار اندک، نعمت جاود می‌بخشد و بیش از توانائی انسانی برایشان تکالیف و وظائف مقرر نمی‌دارد).

نباید فراموش کرد که : مجاهد واقعی از جمله مقرب ترین و محبوب ترین بندۀ گان الهی است، مجاهد واقعی وحقيقي کسيست که هميشه و در همه حالات زندگی خودرا مکلف به متابعت و فرمان برداری از اوامر الهی دانسته واز نواهی اش احتساب می‌کند

پروردگار با عظمت میفرماید: « إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أُنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِإِنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُدُّا عَلَيْهِ حَقًا فِي التُّورَةِ وَالْأَنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ » (التوبه آيه ۱۱۱) (بیگمان خداوند (کالای) جان و مال مؤمنان را به (بهای)

بهشت خریداری می‌کند. (آنان باید) در راه خدا بجنگند و بکشند و کشته شوند. این وعده‌ای است که خداوند آن را در (کتابهای آسمانی) تورات و انجیل و قرآن (به عنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده‌ی راستین آن را داده است، و چه کسی از خدا به عهد خود وفاکننده‌تر است؟ پس به معامله‌ای که کرده‌اید شاد باشید، و این پیروزی بزرگ و رستگاری سترگی است..

بزرگترین آرمان و آرزو یک مجاهد واقعی همانا اعلای کلمه الله قائم نمودن یک نظام اسلامی در زمین خدا است .

مجاهد واقعی کسی که در مشقت ها و تکالیف زندگی خود و برادر مسلمانان را روشن می‌سازد.

مجاهد واقعی کسی است که : در دفاع از دین مقدس اسلام با کمال میل جان و مالش را بی دریغ در راه خدا قربان می‌کند صرف بخاطر حصول خوشنودی رب العالمین . ونمی گزارد که دشمن اسلام به حریم و مقدسات دین اسلام تجاوز کند .

مجاهد واقعی کسی است که از بیت المال و دارایی عامه حراست واز سوء استفاده رشوت ، غصب زمین ، جلوگیری کند .

مجاهد واقعی کسی است که از سلاح خویش برای دفاع از دین ، ناموس وطن و مردم خویش استفاده کند . و برای استقرار صلح و امنیت مردم خویش شب و روز تلاش کند .

مجاهد واقعی کسی است که از لحاظ اخلاقی ، انسان متواضع ، حلیم ، بردار با شرف و مدافعان نوامیس مردم باشد ، با حوصله و خوش روی با مردم برخورد کند نه اینکه برای اغراض شخصی و قومی ولسانی خویش سلاح بدست مردم را به نام های مختلفی از ازار واذیت کند ، از نام اسلام و مجاهد استفاده کند، و سلاح خویش را وسیله آزار واذیت مردم قرار دهد .

مجاهد واقعی ان نیست که امنیت مردم را سلب کند ، شهر ، کوچه و بازار راه وزندگی ارام را بر مردم تنگ بسازد و موجب تداوم جنگ ، و خانه جنگی باشد .

مجاهد واقعی ان نیست که به مال ، جان ، ناموس ، حیثیت مردم تجاوز کند .

مجاهد واقعی ان نیست که شخصی متکبر ، مغزور ، احساساتی ، بی حوصله ، و بد معامله با مردم باشد .

علماء می فرماید که اساس و بنیاد جهاد برای دفع فساد وضع گردیده است ، به تاسف باید گفت که مجاهدین امروزی ما به افتخارات کسب کرده ، و مال غنیمت جهاد و مجاهد اکتفا نکرده بلکه با ضمه ساختن القاب چون جهاد و مقاومت موجب فساد و مصیبت های

عظیمی برای جامعه اسلامی افغانستان گردیده اند . مصیبت های که تاریخ مسلمانان ، و تاریخ بشریت و تاریخ جهاد به یاد ندارد .

هدف نهایی یک شخص مجاهد همین است که رضا پروردگار و تطبیق قانون الهی در روی زمین است ، قانون که فساد ، و اعمال غیر انسانی را از روی زمین بردارد ، و این یکی از رسالت و وظایف خلافتیش در روی زمین هم محسوب میشود که پروردگار با عظمت آنرا بر دوش اش گذاشته است واز خداوند میخواهم که توفیق مزید نصیب اش فرماید تا در این رسالت وجایب اش را به موافقیت ادا ، و آنude اشخاصیکه در این راه به شهادت رسیدند جنت فردوس نصیب فرماید .

ناگفته نباید گذاشت که پروردگار با عظمت ما خودش علیم و دانا است ، که کی برای چه جنگ نموده است ، و کی برای چه از نام مقدس جهاد استفاده و فایده می برد . ولی پروردگار برای علم و درایت نصیب فرموده که میتوانیم حکم و قضاوت نمایم که این انصاف نیست : که افتخارات جهاد کرد تمام ملت افغانستان را در یک منطقه ویا هم در نام چند نفر شهید منحصر بسازیم . از مواده الله باید ترسید . روز بازخواست و محکمه الهی در پیش رو داریم .

شهید و شهادت :

در این هیچ جای شکی نیست که ما باید بزرگان و شهدا خویش را مطابق به قواعد وقوائیں شرعیت غرای محمدی احترام بگزاریم . بزرگداشت نموده و به روح شان دعای مغفرت بفرستیم واز پروردگار با عظمت تمام نموده که از گناهان شان عفو و جای شان در بهشت برین باشد .

در حدیثی آمده است که : « به مردگان ناسزا نگوئید زیرا که آنان به نتیجه ای اعمال شان رسیده اند » (صحیح بخاری حدیث 1393) لذا خاصه و وجیه ما مسلمانان است که مرده و متوفی خویش را به القاب نیک یاد نمایم و برایش از درگاه ایزد متعال طلب مغفرت و بخشش بخواهیم ، خداوند آنان راغریق رحمت خویش قرار دهدن .

در مورد اینکه در شرع اسلامی به چه کسی خطاب شهید و اطلاق شهید میگردد و گفته میشود و به کی نه؟ موضوع است قابل بحث و مورد اختلاف علماء و مفسرین اسلام . ولی اگر شخصی با نیت خالصانه و به امید کسب اجر و پاداش و نائل شدن به مقام شهادت در راه الله متعال با دشمنان الله و دینش بجنگ و در این را کشته شود، امید است الله متعال وی را بعنوان شهید پذیرا باشد، و از گناهانش درگذرد، الله تعالی می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هُنَّ أَذْلَكُمْ عَلَىٰ تَجَارَةِ ثُنُجِيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلَيْمٍ * ثُوْمَنُونَ بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَثُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يَعْفُرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيَذْخُلُكُمْ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَايِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ » (سوره ص 10-12).

يعنی : (ای مؤمنان آیا شما را به معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار در دنیاک نجات می دهد؟ (و آن این است که) به الله و پیامبرش ایمان می آورید، و در راه الله با مال و جان جهاد می کنید اگر بدانید این برای شما از هر چیزی بهتر است. (اگر این تجارت را انجام دهید الله) گناهان تان را می بخشناد و شما را به باغهای بهشتی داخل

می‌گرداند که از زیر آن جو بیارها روان است، و شما را در منازل و خانه‌های خوبی جای می‌دهد که در باغ‌های بهشت جاویدان و ماندگار، واقع شده‌اند.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «**لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سُتْ خَصَالٌ، يَغْفِرُ لَهُ فِي أُولَى دَفْعَةٍ، وَ يَرِى مَقْعِدَهُ فِي الْجَنَّةِ، وَ يَجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَ يَأْمَنُ مِنَ الْفَزْعِ الْأَكْبَرِ، وَ يَوْضُعُ عَلَى رَأْسِهِ تاجُ الْوَقَارِ، الْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا، وَ يَزْوُجُ ثَتَّينَ وَ سِبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعَيْنِ، وَ يَشْفُعُ فِي سَبْعِينِ مِنْ أَقْرَبَائِهِ» ترمذی (1712).**

یعنی: «شہید نزد الله شش خصلت دارد : با ریخته شدن اولین قطره خون او گناهان بخشیده می‌شود، و جایگاهش را در بهشت می‌بیند و از عذاب قبر محفوظ می‌ماند و از فزع اکبر (هیبت قیامت) در امان می‌ماند و بر سرش تاج وقار گذاشته می‌شود، که تنها یک یاقوت از آن از دنیا و آنچه در آن است بهتر است، و هفتاد و دو زن از حوریان (چشمدرشت) بهشتی را به ازدواجشش در می‌آورند، و برای هفتاد نفر از نزدیکانش شفاعت می‌کند».

با این وجود در حدیثی صحیحی که عبدالله بن عمرو العاص روایت می‌کند، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «**يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدِّينَ**» مسلم (1886). یعنی: «هر گناهی برای شهید مورد مغفرت قرار می‌گیرد بجز قرض و بدھی»....

از جناب شیخ ابن عثیمین سوال شد : آیا شهادت در راه خدا گناهان را پاک می‌کند؟ ایشان در پاسخ فرمودند : «شهادت گناهان را پاک می‌کند بجز قرض و دیون، هرگاه مسلمانی بدھی بر گردن داشته باشد، شهادت آنرا برایش اداء نمی‌کند (و گناهش را پاک نمی‌گرداند)، و پرداخت کردن قرض و دیون لازم است، و برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از آنکه الله متعال برایش فتح و پیروزی و مال بیاورد هرگاه جنازه ای نزد ایشان می‌آورددند، ابتدا سوال می‌کرد : آیا او، قرضدار است؟ اگر می‌گفتند : خیر، پیامبر صلی الله علیه وسلم جلو رفته و بر آن جنازه نماز می‌خواندند، و اگر می‌گفتند : آری، و چیزی نداشت که قرضش را با آن بدھند، پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز بر آن نماز نمی‌خواند و به یارانش می‌فرمود: «**صَلُوا عَلَى صَاحِبِكُمْ**» شما بر رفیقان، نماز جنازه بخوانید. بخاری (2295)، و مسلم (1619)».

(مجموع فتاوی و رسائل فضیلۃ الشیخ محمد بن صالح العثیمین) (405/25).

همچنین از جناب علامه ابن عثیمین درباره معنای حدیث «**يُغْفَرُ اللَّهُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدِّينَ**» سوال شد، که ایشان اینگونه پاسخ دادند : «یعنی الله عزوجل هر گناهی را برای شهید مورد غفران قرار می‌دهد بجز بدھی (که دارد)؛ زیرا بدھی و قرض حق الناس است و پس دادن آن لازمست، اما اگر مسلمانی قرضی گرفته باشد و قصد پس دادن و ادائی آنرا داشته باشد، از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده که ایشان فرمودند : «**مَنْ أَخْذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يَرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَى اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ أَخْذَهَا يَرِيدُ إِتْلَافَهَا أَتْلَافَهُ اللَّهُ**» یعنی: «کسی که مال مردم را با نیت پس دادن، قرض بگیرد، خداوند در ادائی آن به او کمک می‌کند و کسی که مالی را با نیت تلف کردن، قرض بگیرد، خداوند آن مال را تلف می‌کند» بخاری (2387). پس اگر این شهید که قرضدار است، قرضش را از شخصی گرفته و اراده و قصد بازپس دادن را داشته، الله متعال برایش اداء می‌کند، حال یا آنکه در دنیا فردی یافت می‌شود که بجائی او قرضش را اداء می‌کند، و یا آنکه الله متعال در

روز قیامت به فرد طلبکار درجات و امتیازاتی می‌دهد و یا (بعضی) گناهانش را می‌بخشد». (مجموع فتاوی و رسائل فضیلۃ الشیخ محمد بن صالح العثیمین) (446/25).

نامگزاری نام مقدس شهید :

آیا جایز که ما هر شخص را شهید خطاب نمایم؟ پروردگار با عظمت ما در (آیه ۳۶ سوره الاسراء) میفرماید: «**وَلَا تُقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا**» (و از چیزی که بدان علم نداری (در مرحله اعتقاد و گفتار و عمل) پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، هر یک مورد سؤال قرار خواهد گرفت (از انسان درباره کارهای آنها و از آنها درباره کارهای خودشان می‌پرسند) واقعاً چه زیبا فرموده است که انسان در مورد چیزیکه از آن علم و اگاهی ندارد، نباید از آن پیروی کند بلکه غرض احتیاط از گفتن در مورد چیزیکه علم ندارند خود را نگاه دارند. چرا که: زبان، قلب، گوش، دست، بینی، و قلم در روز اخرات جواب گوی اعمال و گردار خوبش میباشد.

عالی و مقتی شهیر جهان اسلام علامه شیخ ابن عثیمینطی فتوای میفرماید: «جایز نیست که بصورت عینی بگوئیم فلانی شهید است، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «**وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَكُلُّ أَحَدٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يَكُلُّ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللُّؤْنُ لَوْنُ الدَّمِ وَالرِّيحُ رِيحُ الْمِسْكِ**»، (سوگند به آن ذاتی که جانم در دست اوست هیچ کس در راه الله زخمی نمی‌شود مگر آن که در روز قیامت با همان زخم می‌آید در حالی که رنگ، رنگ خون است و بو، بوی مشک، و الله تعالی بهتر می‌داند چه کسی در راه او زخمی می‌شود). بخاری (۲۸۰۳).

(در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه وسلم) علم آنرا به الله متعال نسبت داده است، و اگر اینگونه است پس جایز نیست که برای شخصی شهادت و گواهی دهیم به اینکه او شهید است؛ زیرا اگر ما گواهی دهیم که او شهید است در واقع گواهی دادیم به اینکه او به بھشت می‌رود، حال آنکه از جمله اصول اهل سنت و جماعت آنست که به جنتی بودن احمدی گواهی نمی‌دهیم مگر آنکسی را که رسول خدا صلی الله علیه وسلم به جنتی بودنش شهادت داده باشد.

و بر این مبنای گوئیم: امید است که فلانی جزو شهداء باشد، و همین (جمله در حق وی) کافیست، زیرا اگر واقعاً نزد الله متعال شهید باشد پس واقعاً شهید است چه ما به او شهید بگوئیم یا نگوئیم، و اگر هم نزد خدا شهید نباشد پس جزو شهداء محسوب نمی‌شود هرچند که ما وی را شهید بنامیم». (برای معلومات مزیدمراجعه شود: به مجموع فتاوی و رسائل فضیلۃ الشیخ محمد بن صالح العثیمین) (387/25).

برای تکمیل بحث لزوماً یادآوری باید کرد که تحت نام جهاد به ریختن خون بی گناه، ضرر به مال و جان انسانهای بی گناه با ارتکاب عمل انتشاری و گرفتن حق توبه حتی از مخالف شرعاً مجاز نیست.

بر عکس عامل ریختاندن خون انسانهای بی گناه شدن شرعاً حرام و مجاز نمی‌باشد.
والله اعلم بالصواب.

ماخذ :

کتاب (مختصر الأسئلة والأجوبة على العقيدة الواسطية)، ضبط شرحی الهراس وابن

عثيمين للعقيدة الواسطية بالسؤال والجواب، تهيه و تنظيم: مضحي بن عبيد معثم مري سايت
جامع فتاواي اهل سنت و جماعت

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library